



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل ، قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامهها - بخشنامهها - آگهیهای رسمی وقانونی و سؤالات

شماره ۱۵۷۶

شنبه ۲۹ تیر ماه ۱۳۲۹

سال ششم

شماره مسلسل ۴۶

دوره شانزدهم قانونگذاری

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۴۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۲۳ تیر ماه ۱۳۲۹
فهرست مطالب:

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) بیانات آقای رئیس دائر بابر از تأسف از فوت مرحوم مصطفی عدل
- (۳) بیانات قبل از دستور آقایان دکتر جلالی - دکتر بقائی - اسلامی -
- (۴) تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای نخست وزیر بقید يك فوریت و تصویب فوریت آن
- (۵) تقاضای آقای وزیر کشاورزی راجع به تعقیب شور چند فقره لوایح دوره شانزدهم
- (۶) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

* *

مجلس ساعت ده و ده دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - اسامی فائین جلسه پیش قرائت می شود
(شرح ذیل قرائت شد)

فائین با اجازه - آقایان : صفوی ، خاکباز ،
اورنگ ، منصف ، نصریان ، امینی ، کرگانی ،
اسکندری ، محسن طاهری ، حازقی ، دکتر راجی ،
حسن نبوی ، امیر انشاری ، طباطبائی ، صدر میرحسینی ،
فائین بی اجازه - آقایان : شیانی ، سلطانن ، اکبر ،
دکتر سید امامی ، معدل ، ابریشمکار ، تولیت

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : دکتر معظمی يك
ساعت شوشقزی آخر وقت يك ساعت ونیم - حائری زاده ،
آخر وقت ۳۰ دقیقه دکتر طباطبائی يك ساعت
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : محمودی ۴۵ دقیقه
سندجی ۴۰ دقیقه - شهاب خسروانی ۴۵ دقیقه - کهبد
۳۰ دقیقه - موقر ۳۰ دقیقه

رئیس - نسبت بصورت مجلس جلسه پیش
نظری نیست؟ آقای مهدی ارباب
مهدی ارباب - در آخر جلسه گذشته بنده

پیشنهادی دارم. مربوط بر اهسازی چاه بهار و عاقبت
نفهمیدم بکجا منتهی شد چون منتهی باخذ رای نشد
استدعائی که دارم این است که نسبت به پیشنهادات
و نسبت بمناطق ایران مجلس نظر مساوی اتخاذ
کند و تبعیض در جریان عمل نباشد.
رئیس - آقای نور الدین امامی

نورالدین امامی - بنده ضمن بیاناتم که
راجع به آقای شاهرخ اینجا عرض کردم از کلمه کبر
مقصودم غیر ایرانی نبود و الا کبرو یهود و نصاری
همه ایرانی هستیم مقصودم این بود که يك نفر غیر مسلمان
را رئیس تبلیغات پانزده بیست میلیون مسلمان نمیکند
مکرم - بنده اخطار دارم .

رئیس - بر طبق چه ماده ای؟
مکرم - بر طبق ماده ۱۶۹ بنده يك ماه قبل
از دولت سابق سؤالی کردم راجع بیانك رهنی تا
حال جوابی نداده اند استدعا می کنم مقرر بفرمائید
برای جواب آن حاضر شوند .

رئیس - آن سؤال را هم در دولت فعلی
تعقیب کرده اید؟
مکرم - بلی

رئیس - پس تأکید می شود که برای جواب حاضر
شوند. آقای فولادوند بفرمائید .

غلامرضا فولادوند - آقای مهندس شریف
امامی در جلسه پیش فرمودند بنده از جناب آقای اردلان
تشکر میکنم و از آن «دلسوزی» که راجع به مصرف
اعتبارات وزارت راه فرمودند در صورت مجلس نوشته اند
«دستوری» میخواستم این را اصلاح بفرمایند

رئیس - اصلاح میشود ، دیگر بصورت مجلس
نظری نیست؟ آقای دکتر کیان بفرمائید

دکتر کیان - در ماده واحده پیشنهاد بنده
اشتباه عبارتی پیش آمده است که خواستم عرض کنم
اصلاح شود در اینجا نوشته شده است اجرای کارهای
ساختمانی و راهسازی کلمه سال ۱۳۲۹ افتاده است

هین مذاکرات مشروح چهل و هشتمین جلسه از دوره شانزدهم قانون گذاری

«اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس»

پیمان نامه راهسازی سال ۱۳۲۹ - اراضی بفرمانند
رئیس - اصلاح میشود آقای دکتر بقائی نسبت
بصورت مجلس نظری دارید ؟

دکتر بقائی - بند از صورت مجلس
رئیس - صورت مجلس جلسه پیش تصویب شد
۲ - بیانات آقای رئیس دائر بابر از تأسف از فوت مرحوم مصطفی عدل

رئیس - امروز که تشکیل جلسه قدری تأخیر
شد بمناسبت فوت مرحوم مصطفی عدل سناتور آذربایجان
که یکی از رجال فاضل و باتقوی و صالح کشور بودند
بود (صحیح است) مرحوم مصطفی عدل در دوره
زندگانی با شرافت خود خدماتی از نقطه نظر تدوین
قوانین و کارهای مهم دیگر باین کشور کرده اند
(صحیح است) وقوع این قضیه برای مجلس شورای ملی
ناگوار است (صحیح است) و همگی با اظهار تأسف
از این واقعه از درگاه خداوند مسئلت میکنیم که
روح ایشان را قرین رحمت خود فرماید (انشاءالله)

۳ - بیانات قبل از دستور آقایان: دکتر جلالی

دکتر بقائی - اسلامی
رئیس - حالا شروع میکنیم بنطق های قبل
از دستور

دکتر بقائی - پیشنه‌ها در بنده را فراموش
نفرمایند.

رئیس - پیشنه‌ها شما مورد ندارد این سابقه‌ای
دارد در مجلس سنن را که نبشود تغییر داد ایشان
وزیر بودند.

دکتر بقائی - بنده پیشنه‌ها کردم جلسه
ختم شود.

رئیس - این سابقه در مجلس نبوده است فقط
برای نمایندگان بوده است.

دکتر بقائی - برای وزراء هم بوده
رئیس - تغییر نمیشود شما مراجعه کنید برای
وزراء نبوده است اگر برای وزراء بوده بنده آنوقت
اجرا میکنم. این يك احترامی است که به ایشان
گذاشته میشود.

فوزالدین امامی - ممکن است هر روز يك
وزیر ببرد.

دکتر بقائی - خدا کند این که يك مؤده
خوبی بود.

رئیس - آقای دکتر جلالی بفرمایند.

دکتر جلالی - بنده قبل از عرض مطالبم موقع
را مفتتن میشمارم به آقای ناصر ذوالفقاری که این
مصیبت برایشان پیش آمده تسلیت عرض میکنم

بنده معمولاً سعی میکنم تذکراتی که میدهم
بطور خصوصی، بطور دوستانه بهیئت دولت بدهم و
کمتر وقت مجلس را برای صحبت کردن بگیرم در
برنامه آقای ساعد بنده تذکراتی که لازم بود دادم
در برنامه دومی چون خیلی فاصله‌ای نداشت موقع
صحبت را برطرف دادم و در این برنامه دولت فعلی بنده
مصمم بودم صحبت کنم متافانه نوبت به بنده داده نشد
رو به رفته بنده صحبت هائی که میکنم يك تذکرات

اصولی است که میخواهم عرض دولت حاضر برسانم
و عقیده دارم که این تذکرات را همانطور
که عرض شد بطور خصوصی و البته در جلسات
هلنی عرض مجلس و بعرض دولت وقت برسانم
بنده شرح مفصلي بساد داشت کرده بودم
از وضع بد مردم و بطور کلی میتوانم بگویم وضع
بد مردم بجائی رسیده است که طاقت فرساست طاقت
نعمل نیست آقای رئیس الوزراء در مورد این لایحه‌ای
که میخواهند تقدیم بفرمایند تذکراتی فرمودند و بنده
دیدم که قسمت اعظم آن تذکراتی که بنده مسی
خواستم عرض کنم ایشان خودشان توجه دارند مثل
اینکه بسیار مطالعه شده است و بسیار وقت فرموده اند
و با تذکراتی که سایر رفقا فرموده اند من خیال
میکم در مورد شور و طرح این لایحه دیگر تذکر
تازه ای لزوم نداشته باشد منتهی بنده خواستم از
موقع استفاده کنم و عرض کنم مهمترین امر، وضع
بیکاری است مثلاً يك مؤسسه بسیار کوچکی یعنی
بهرداری راه آهن در ظرف چندماه چهار هزار تقاضای
کار شده است و هر يك از آقایان نمایندگان اگر
آماری تهیه بفرمایند شاید در ماه دوپست، دوپست
و پنجاه، سیصد کمتر، بیشتر تقاضای کار از آنها
میشود و وقت بداند اگر میتوانستند انجام بدهید ده برابر
این مراجعه خواهد شد بنده اطلاع کامل دارم و قابل تردید
نیست چون نمیتوانند قابل انجام نیست (شوشتری - مردم
مأیوسند) و مردم مأیوسند باین جهت مردم مراجعه
نمیکند با وجود این ببینید چقدر تقاضا می شود.
يك اموری است، که همیشه دولت باید انجام بدهد، امور
اساسی است مثلاً لایحه ای که میخواهند امروز تقدیم
بکنند بسیار لایحه خوبی است، انشاء الله می آید
در اطرافش بحث میشود، اشکالاتی که ذکر می
شود اصلاح خواهد شد و البته برای مملکت بسیار نافع
خواهد بود ولی يك امور فوری هم هست که باید
زودتر آنها را انجام داد همین امر بیکاری
خواه بوسیله راهسازی خواه بطور دیگر باید فوراً
باین امر خاتمه داد این است که بنده میخواستم
به آقای نخست وزیر عرض کنم که کابینه شما اگر
ثابت کند، روشن کند که فرق دارد با سایر
کابینه‌ها باید توجه کند که تمام امور این مردم و کار
هائیکه باید انجام بشود و نمایندگان تذکر می دهند
اگر وارد است به این ترتیب اثر بدهند هنوز مردم
مملکت باین مؤسسات با يك چشم بسیار بدی
توجه میکنند برای اینکه همان دزدانی که همیشه در
همه کارها بوده اند، هنوز هم هستند، هیچ دست
نخورده اند و هنوز تشریف دارند این آقای لقمان
نقیسی ساعد باشد هست، منصور باشد هست هما باشد
هست پس چه تفاوتی کرده؟ هیچ (آزاد -
ابوالحسن ابتهاج را بفرمایند) حالا این را که نظرم
آمد بنده کاری به آنها ندارم. بنده راجع
بامور کشاورزی، مخصوصاً اموری که مربوط به
استان خودمان است مکرر تذکراتی بعرض مجلس
شورای ملی رسانیده ام و عرض

کرده ام وضع برنج بسیار بد است بنده می-
خواهم از موقعیت استفاده کنم و راجع بوضع چای هم
يك تذکراتی بدهم در نتیجه تذکرات بنده البته تا
بحال يك توجهی شده است ولی نه آنطور که باید
و شاید يك دستهایی هم در کار هست يك کارهائی
میکند با کمال تأسف و دیروز شنیدم که یکی از
همکاران ما هم به آنها گفت بکنند (بعضی از نمایندگان
کی بوده؟ اسم ببرید) خودتان بهتر می دانید بنده خیلی
متأسف هستم که آقایان اینطور حمایت از این امور
می کنند این يك امر بسیار روشنی است محتاج به
توضیح نیست، امسال آمدند گفتند که چای را خود
مردم تهیه نکنند برك سبز از مردم بفرند و خود
سازمان چای را تهیه کند خود ادارای که ما مور این
امر بود آمد گفت که من واردات چائی را خودم
بهمه میگیرم اینها می گویند که سهم واردات را بما
بده چائی داخلی را هم در اختیار ما بگذار که ما هر
چه میل داریم بکنیم توجه بفرمایند اگر درست این
این کار بشود اینها در حدود ۲۰ میلیون تومان فایده
نامشروع میبرند. هه اش دزدی است و خیانت است
این کارها را می کنند اینها این عایدات را میبرند
و باز آمده اند اینها را افعال میکنند بنده میل نداشتم
این را اینجا عرض کنم ولی متأسفانه چند روز قبل
روز نامه کیهان مغیر شهریشان يك مقاله ای تهیه
فرموده بودند چون در آنجا دو سه جا اسم بنده را
برده بودند باید عرض کنم بلائی چای. در اینجا البته
خیلی متشکرم که بنده سوء نسبتی داده نشده است
گفته اند که جوان است و تازه از این جهت از چایکاران
فربخ خورده و می آید این حرفها را میزند ولی من
خدا را شاهد میگیرم که هر کار و هر امری تا برام
مسلم نشود و یقین حاصل نکنم و عقیده پیدا نکنم هیچ
وقت عمل رویش نمی کنم بلکه بحمدالله نماینده‌ای
هستم که کوچکترین احتیاجی بکار مختلف ندارم
و کارم، شغلم کاری است که بحمدالله ایجاب نمیکند
من منحرف بشوم و انشاءالله امیدوارم که همینطور هم
بماند و اگر امری موجب بشود که بنده دست از این
کار بخصوص بردارم شغل شریف خودم را ترجیح
می دهم عرض کنم که بنده هر چه مرضی کنم روی
عقیده است و همه اش روی عقیده بوده اگر بکسی
رای میدهم روی عقیده است و هیچوقت انشاء الله
انحرافی در زندگی من پیش نخواهد آمد ملاحظه
بفرمایند مثلاً این که ترشی می کنند این را آمده
است آقای مغیر شهری باچای مقایسه کرده و گفته
است که اگر این را شایر برای وارداتش يك شرائطی
قائلید برای آنها فائل بشوید این اصلایك قیاس
محال فارق است و اصلاً این را نمی شود باچای مقایسه کرد
برای اینکه این را برای ترشی استعمال می کنند و چای
آقایك غذای فرعی است هیچکس دیده نمی شود در این
شهر که غذای دوم او بمداز نان چای نباشد نباید
این را باچای مقایسه کرد بنده ایراد کرده اند که چرا
گفته ای اهالی جنوب من مقصودم از اهالی جنوب و

سه نفر دلال دزد است که در جنوب هستند و الا بنده
با کمال احترام بیازرگانان و مردم جنوب احترام می
گذارم (صحیح است) (مقصوداً بفارس به حال بنده
این نتیجه را میگیرم که اگر سازمان برنامه یعنی اداره چای
بخواهد کوچکترین چیزی بآنها بدهد که بخواهند
از این موقعیت سوء استفاده بکنند این اصلاحیانت
است ابتدا باید اینها را راهشان نداد اگر میخواهد
حقیقه برای این مملکت زحمت بکشند و خدمت کنند
اینست که تمام این سهمیه هارا بفرود چایکاران و اگذار
کنند اینها حاضرند با کنترل و نظارت مقامی این
را خودشان وارد کنند خودشان تضمین بکنند خودشان
احتیاجات کشور را مرتفع سازند و هر مقامی کمی
خواهد بیاید نظارت کند و ببینند که اینها بیشتر از
ده درصد فایده نمی برند (شوشتری - یعنی چای
خارجی را هم بآنها بدهند) لااقل داخلی را بدهید
(شوشتری - کار خودشان را بکنند، هر کس کار
خودش را بکند) بنده سؤالی کرده بودم راجع به
لواحه کشی شهر تهران متأسفانه میشوم که کارش
دارد با تمام میرسد یا دارد بانجام میرسد بنده تأسف
از این میخورم که آن شرائطی که ما داشتیم بهتر
این است که مهندسین خود ما در این کار نظارت و
دخالت داشته باشند تا این عمل بغوی انجام بشود
و يك تذکراتی بنده تهیه کرده بودم که خواهند
گفت موقعش گذشته و هم اینکه با سؤال بنده از دولت
حاضر تجدید بشود و یا باید از آن صرف نظر کنم
من امیدوارم که بنده در يك جلسه خصوصی حاضر
بشوم و تذکراتم را بدهم یا اینکه سؤال خودم را
تجدید بکنم مطلب دیگری که لازم است اینجا عرض
کنم راجع بنظام وظیفه است باین اطباء بالاخص به
مهندسین در موضوع نظام وظیفه ظلم و جفا میشود بنده
دیشب يك طبیبی را دیدم که خودد کتر های ارتش
تصدیق کرده بودند که این بمرض آسم مبتلاست و
معهذا این را معاف نکرده بودند استدعا میکنم که دولت
حاضر در این مورد توجه مخصوص بفرماید نسبت به
امور اقتصادی هم هرائضی داشتم که وقت ندارم
(احسن)

رئیس - آقای دکتر بقائی بفرمایند
دکتر بقائی - آقایان محترم همینطور که
در یکی از جلسات گذشته عرض کردم و حالا هم
مجبورم تکرار کنم متأسفانه در اثر جریانات اخیر
مجلس يك تصصی از طرف اکثریت اتخاذ شده است
که می ترسم خدای نا کرده بضرر مملکت تمام بشود
از آقایان محترم خواهش میکنم که این عرایض بنده
را بدقت استماع بفرمایند و رسیدگی بفرمایند و اگر
قسمتهائی بنظرشان رسید که تاریک بود یا مبهم
بود یا دلیل بیشتری خواستند در خارج مجلس بفرمایند
که بنده دلایل بیشتری در اختیارشان بگذارم تا به
خواست خداوند يك اقدام منسجمه ای نشود چندروز
پیش بوسیله روزنامه ها اطلاع پیدا کردیم که
جناب آقای نخست وزیر دعوتی از اکثریت نمایندگان

مجلس در کاخ نخست وزیرى کرده اند البته این
کار کاملاً هادی بوده است رئیس دولت اکثریت مجلس
را دعوت کرده ایراد و اعتراض باین قسمت نداریم ولی
در آنجا راجع باین ماده واحده که امروز میخواهند
بمجلس شورای ملی تقدیم کنند مذاکراتی شده بود
که بنده را وادار کرد برای اینکه وقت بیشتری
برای عرض مطالب خود داشته باشم قبل از دستور
مصدق آقایان محترم بشوم همانطور که در جلسه
خصوصی عرض کردم این موضوع عدم تمرکز کار
ها يك موضوع ظاهرأ فریبنده و تا اندازه ای
صحیح است، در دوره گذشته من چون
نماینده کرمان بودم الان هم که نماینده تهران
هستم خودم را نماینده کرمان و سایر جاهای مملکت
می دانم و می دانم که این تمرکز کارها که از چندین
سال پیش باین صورت در مرکز درست شده خوب
نیست، صحیح نیست ولی بقول شاعر عرب که گفت
حفظت و شیماً و غایت هنك اشياء این نغمه‌ای که الان
بلند شده است و طبق این ماده واحده بمجلس می آید
این غیر از آن چیزی است که آرزوی تمام مردم
شهرستان ها و وکلای شهرستان ها است، اگر
نمایندگان شهرستانها و مردم شهرستانها میخواهند
که این مرکزیت بی معنی بصورتی که امروز هست از
بین برود غیر از آنست که می خواهند مملکت را به
دست تجزیه بدهند آقایان من صراحة پشت این
تربییون عرض می کنم و خواهش می کنم این عرض
مرا با گوش تصص بنشنوید عرض می کنم در این ماده
واحده یا تجزیه مملکت ایراد است و این موضوع
سوابق بسیار طولانی دارد موادی را که استناد
کرده اند از قانون اساسی همان موادی است که
ارتباط با انجمن های ایالتی و ولایتی دارد با علاقه
واقعی که نویسندگان قانون اساسی و رای دهندگان
آن در دوران اولیه مجلس با اجرای قانون داشتند
دلایلی وجود داشت که از ابتدای امر این قسمت
عملی نشد آقایان اگر بتاریخ مجلس مراجعه بفرمایند
ملاحظه خواهید فرمود که گویا در اواخر دوره چهارم
يك عده از وکلای طرفدار اجرای قانون انجمن های
ایالتی و ولایتی بودند در آن موقع مرحوم مشیرالدوله
نخست وزیر بودند و مرحوم معاضد السلطنه
تیریا پدر این آقای دکتر حسین بیرنیا وزیر
کشور بودند ایشان آمدند بکمیسیون کشور و اظهار
کردند که آقا ما هم می دانیم که این قانون هست
و باید اجرا بشود ولی در وضع فعلی مملکت اجرای
این قانون برخلاف مصالح مملکت است و اجرای آن
بنتف اجانب و بضرر مملکت تمام خواهد شد این
جمله را مرحوم مشیرالدوله گفته بودند (دکتر کیان -
اینطور نیست) حالا حتماً شما بهتر میدانید (دکتر
کیان - حتماً بهتر می دانم) خیر بهتر نمی دانید ولی
ممکن است يك چیزهائی بدانید شما که ایشان
نمی دانستند و نمی خواستند هم بدانند و صرفه‌ای هم

برای شما ندارد که وسط حرف من حرفی بزنید
من وقتی عصبانی بشوم بضرر شما تمام می شود و يك
اسراری از دهانم بیرون می آید که خوب نیست
(دکتر کیان - اسرار چیست؟) (رئیس - آقا
بشما تذکر می دهم) (دکتر کیان - اسرار را به
گویند، بنده هم اسرار زیادی دارم که میل دارم بنده
را عصبانی بکنید که بگویم) (رئیس - آفا قطع کلام
نکنید هنوز قانونی نگذشته است این مجادله چیست)
مرحوم مشیرالدوله توضیح داده بود که اگر این قانون
اجرا بشود در بعضی از قسمت های مملکت مخصوصاً
در خوزستان که در آن موقع هم شیخ خزعل بود
منجر به تجزیه خوزستان خواهد شد، روی این توضیحات
البته من در آن موقع نبودم توضیحاتی که مرحوم
مشیرالدوله داده بود آقایان نمایندگان هم قانع شده
بودند و این موضوع را ول کرده بودند. آقایان همانطور
که در جلسه خصوصی عرض کردم سیاست انگلیس
مدتهاست که این خواب و این نقشه را برای ماریده
است و تا حالا بچندین عنوان بچندین رنگ و بچندین
لباس همین نقشه را آورده است، متأسفانه این وقت
کوتاهی که در اختیار بنده هست اجازه نمیده که
تاریخچه یکی یکی آن را عرض کنم اگر آقایان يك
ساعت اجازه میدادند بنده تمام موارد آن را بعرض
آقایان محترم می رساندم تا حالا بچندین لباس این موضوع
را برای مملکت ما پیش آوردند که آخرین لباس
این است که در این چند روزه از حلقوم بعضی از
سیاستمداران ساده لوح امریکائی همان نقشه خودشان
را بیرون دادند و دلایلش را هم که آقایان ملاحظه
فرموده‌اید این ذوق و شوقی است که بعضی از اخیر-
نگاران امریکائی میگویند که حکومت ایران فترال
خواهد شد، قدرالی است اینها که ملاحظه
فرمودید. حالا در موقع خودش بنده ایرادها و آنچه
که لازم باشد در این خصوص خواهم گفت ولی امیدوارم
که دولت همانطور بگذرد بیاناتشان در روزنامه فرمودند
اسراری در فوریت موضوع نداشته باشند و بطرز
عادی تقدیم بفرمایند و آئین نامه اش را هم ضمیمه
بفرمایند تا يك صحبتهائی در مجلس گفته نشود اقلاً
این صحبت ها در کمیسیون گفته بشود و برای شان
مملکت ما هم بهتر خواهد بود ولی اگر اسراری
کردند بنده هم مجبور خواهم بود که بعضی از اسرار
را در پشت این تربیون بنام دنیا بگویم و آنوقت
آقایان نگویند که تویك چیزهائی گفتی که رادیوی
بیگانه از آن استفاره میکنند، بنده قبل میگویم که
آقایان فوریت را از این لایحه سلب کنند بصورت
لایحه عادی بدهند بنده هم عرایض خودم بردار کمیسیون
بکنم ولی اگر اسرار کردند که در پشت این تربیون
بگویم و قبل هم میگوینم که نکوید تو آمدی
اسرار را گفتی و متشنجش کردی ولی اگر فوریت
باشد بنده اجباراً پشت همین تربیون میگویم (بعضی
از نمایندگان - يك فوریت است) بنده اطلاعی از
مذاکرات شما ندارم در اینجا نوشته است بقید دو

فوریت ، باید بطور هادی بدهند (آزاد - - حالا فوریتی لازم ندارد این لایحه ، تمام کارهای مملکت درست شده است فقط همین مانده بقید این يك فوریت و دوفوریت میتواند تمام کارهای اصلاحی مملکت را انجام دهد) درموقتی که مامخالفت بانقضت وزیری تیسار میکردیم برای این بود که میدانستیم ایشان چون نظامی هستند نمیتوانند مرامات مقررات و قوانین را بکنند اولین نوبری که ایشان پس از رای اعتماد گرفتند این بود که (مکی - چهار روزنامه را توقیف کردند) آقا آنها يك چیز کوچکی بود و ضمناً نمی دانم مطابق کدام اصل ، روی کدام قانون روی کدام حقیقت ملت ایران را بوطه هلاکت کشانیدند و موافقت خودشان را بوسیله تلفون بدون صلاحیت و تصویب مجلس با نظریه امریکا نسبت بجنک کره مغایره کرده اند این يك موضوعی است که نمی دانم که ایشان باستناد چی اینکار را کردند ، در صورتیکه يك همسایه ما دوحود سه هزار کيلو متر دو هزار کيلو متر با ما مرز مشترك دارد نادیده بگیرند و از آن طرف آقایان که آشنائی به مجله های خارجی دارند ملاحظه می فرمایند که در مجلات امریکائی و انگلیسی راجع به کمک های انگلیس و امریکا و کمک های هائی که می خواهند بکنند (جمال امامی - ایران جزو سازمان ملل متحد است) (زنک رئیس) این بالاخره باید با اطلاع مجلس باشد (امامی - مجلس قانون گذرانده) دومین عمل ایشان همین موضوع است که الان عرض می کنم البته خیلی جالب توجه است موضوع حکومت مردم بر مردم و اختیار دادن شهرستان ها و استانها است ولی ایشان از ابتدائی که شروع بعمل فرمودند کم کم مجبور شدند که يك قمری یابین بیابند که البته در همانی کاخ بیلای فرموده بودند که میگویند اخیال داریم شهرستانها استقلال بدهیم ابتدا اینطور نیست چیزی که هست کار مردم را باید بخودشان واگذار کرد ، ولی ادای همین يك جمله با طبیعت نظامی ایشان سازگاری نداشته برای اینکه فوری اضافه می فرمایند (البته تهران ناظر تمام امور بوده دستور او امر لازم دارد یعنی واگذاری خواهد شد ، آقایانی که انتخابات انجمنهای بلدی را دیده اند با دستورات او امر صادره از تهران میدانند معنی چیست در حقیقت در هر صورت و در فرمایشاتی که ایشان فرمودند تناقض های خیلی زیادی هست که بنده نمی خواهم وقت مجلس را بدم بکنار آنها بگیرم ولی يك نکته ای را می خواهم عرض کنم و آن این است که کابینه ای که از ابتداء معرفی شد بکابینه کار و عمل تا حالا جناب ایشان ده دوازده برابر هر نخست وزیر که شروع بکار کرده است سخنرانی فرمودند چون منصور الملک ، ساعد ، هزیر ، قوام السلطنه هیچکدام باین اندازه سخنرانی نکردند و ایشان در دانشکده حقوق سخنرانی کردند برای قصاب ها در بلده ، در پشت رادیو و این طرف و آن طرف و این بوزر ایشان سیرایت کرده است هر روزی در وزارتخانه خودش گاهی پشت رادیو ، رئیس شهرهای در پشت

رادیو سخنرانی کردند ، وزرای دیگر که نیک گفتند ما عمل میکنیم و نمی گفتند که ماحرف نمی زبیم کم حرف می زدند کاری نکردند ایشان که همه اش صحبت از عمل کردند و در برابر آن ماحرف زدند ، نمی دانیم این بالاخره بکنجا خواهد رسید و آنچه که در اصل و و ماهیت این لایحه ادهامی کنند یعنی سپردن کار مردم بدست خودشان این از روز اول کمال مطلوب قانون اساسی ما بوده است ولی اینکه ایشان در ابتدای نطق خودشان فرمودند « چون قسمتی از برنامه دولت شرکت دادن افراد در اداره امور زندگانی اجتماعی آنها میباشد لذا برای واگذاری کار های اداری عمومی معنی بدست مردم هر محل و تغییر طرز اداره امور در دستگاه اداری دولت از طریق تشکیل انجمن های محلی و ماده واحده و تبصره آن بمنظور انجام این امر تهیه و تقدیم میگردد و چون همواره اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در انجام این امر اوامر بلخ و مؤکدی صادر میفرمایند و خوشبختانه نظریات اکثریت نمایندگان محترم نیز مؤید این موضوع است از لحاظ اهمیت فوری امر بقید يك فوریت استدعای تصویب آن را دارم » این اولاً با مقدمه نطق خودشان در همان جلسه تناقض دارد که فرمودند خواهش میکنم که آقایان قبل از مطالعه و رسیدگی دقیق نسبت بآن قضاوت فرمایند و نسبت بفرمایش جناب آقای جمال امامی هم بهمین ترتیب که فرمودند از جمله همین قانون اعطای اختیارات به شهرستانها و هم مرکزیت است که دولت میخواهد بمجلس بدهد دولت باید قبلاً این لایحه را در معرض مطالعه نمایندگان بگذارد و پس از این که حلاجی شد و زمینه برای تصویب آن کاملاً فراهم کردند بمجلس تقدیم کنند با این دو مقدمه می بینیم که آن تقاضای دو فوریت هیچ جور در نمی آید .

رئیس - آقای دکتربقائی وقت شما تمام شده است .

دکتربقائی - آلا ن تمام میشود و این امر يك مقدمات اساسی لازم دارد یعنی واگذاری کار های اداری عمومی معنی بدست مردم هر محل جز در سایه آزادی سیاسی و حسن جریان انتخابات و آزادی مطبوعات و القای مقررات خشک و آزادی کش حکومت نظامی نباید صورت بگیرد و اگر چه ملی برنامه خود را در مجلس شانزدهم متکی به قانون یعنی به تجدیدنظر در قوانین انتخابات و مطبوعات و القای حکومت نظامی کرده و یا فشاری می کند بدلیل این است که این مسائل از اساسی ترین کار های مجلس است .

رئیس - آقا وقت شما تمام شد ، خودتان ساعت را نگاه کنید .

دکتربقائی - آقا دقتی اش را آقای دکتربقائی کیان گرفتند .

رئیس - شما هم در مورد سایرین این عمل

رامیکنید .

دکتربقائی - آقا بنده حق خود را با ایشان می دهم بنده چون با فوریت مغالطه هستم .

رئیس - آن جداگانه است .

آزاد - بنده وقت خودم را با آقای دکتربقائی میدهم .

نورالدین امامی - سومی هم چون شب جمعه است بنا به بگذشت .

رئیس - آقای اسلامی بفرمائید ساعت را هم نگاه کنید که دیگر من نکوم وقت گذشته .

اسلامی - بنده ساعت امکا است خوب کار میکنم کون میکنم میگذارم این جا ، چون عرایض من بچند قسمت تقسیم می شود و خیلی اهمیت دارد بنده از آقایان معترم مخصوصاً از باب جراید استدعا میکنم چون آنها می خواهند در خارج منتشر کنند يك توجه مخصوصی بفرمایند ، ما که در اینجا قبول نمایندگی کردیم و این شغل خلیع را بعهده گرفتیم باید مواقع لازم آن چیزهایی که بمصالح مملکت میدانیم بیان کنیم و هیچ ترس و واهمه ای از هیچ کس نداشته باشیم مخصوصاً که صحبت ناشی از احساسات وطن خواهی و ملت پرستی باشد حالا اگر منشاء آزاری نباشد بالاخره ما بایستی تکلیف خودمان را انجام بدهیم بنده بعد از این مقدمه نکته اولی که عرض میکنم معنای نفت است (کشاورز صدر - باز بوی نفت را بلند کردی) عرض کنم که بنده اینجا می خواهم با صراحت هر چه تمامتر يك نکاتی را عرض کنم با دلایل کافی و شواهد تاریخی یعنی می خواهم عرض کنم با دلایلی که داده دولت فخریه بریتانیای کبیر هنوز قرار نگرفته است که تکلیف نفت روشن شود (شوشتری - آقا با دولت انگلیس ما پیمانی نداریم پیمان ما با کیانی است) بنده برای این است که عرض میکنم که آقایان نمایندگان توجه بفرمائید و مسئولیت خطیریکه در این کار دارید و ملت ایران هم از این سیاستهای ضد و نقیض و از این مصاهای لاینحل و مشکل مطلع بشوند اگر نظر آقایان باشد در جنک اخیر موقتی که امریکا بانگلستان کمک مالی و اقتصادی می کرد دو قرار گذاشتند یکی آنکه جزاوری از انگلستان بامریکا واگذار شد یکی هم اینکه از نفت دنیا با شرکت و نظریه دیگر استفاده بیزند (شوشتری - راجع بنفت خودشان نه نفت دنیا) آقایان که اطلاع دارند روزنامه خوانده اند می دانند و اطلاع دارند و سرشان برای کار سیاست دردد میکنند بدانند که نوشته اند (نفت دنیا) (شوشتری - حق ندارند) ولی بعد از خانه جنک بطریق نامرئی از این قراریکه گذاشته اند شانه خالی کردند نمونه های زیادی که هست بنده برای اطلاع آقایان يك موردش را عرض میکنم قضیه جنگالی که در عربستان سعودی شد و طالب یزدی ، کودتاهای کشور سوریه و اقرار صربیه ای که در مجلس دوره

۱۵ بعمل آمد راجع بنفت ایران که گفتند ما نفت ایران را بکوه و اجبار این جور کردیم البته برای اینستکه گفته شود که نفت ایران هنوز مورد نزاع و مورد اختلاف است ما چه چیز را باشما همکاری کنیم چکار کنیم منتهی چوبش را ما باید بخوریم گرفتاریش را تا ابد بکشیم دلیل دیگر که بنده میخواهم بگویم که نمیخواهند حل بشود و میخواهند بدست ما حل کنند این است که ۸ ماه ۹ ماه بود که نمایندگان انگلستان بانمایندگان ایران مشغول مذاکره بودند و حال اینکه بزرگترین قراردادها و بزرگترین معاملات ممکن بود در ظرف دو ماه تمام بشود این موضوع را اینقدر طول دادند تا این که چهار روز داشتیم بخاتم دوره مجلس آن را آوردند در مجلس این معلوم بود تصویب نمیشود و روحیه مجلس هم طوری بود که البته خیلی از آقایان فداکاری کردند خوب روی حس وطن پرستی برای اینکه آن دفعه عرض کردم اگر تصویب کنند که ملت لعن میکنند اگر تصویب نکنند چه بکنند؟ آن روزها يك عده ای از نمایندگان روی حس وطن خواهی جداً ایستادگی کردند و فداکاری کردند آن از بین رفت حالا بنده نمی دانم ، این مسئله استنباط شخصی است و مطالعاتی است که بنده دارم خیال می کنم که هنوز نمی خواهند این کار حل بشود رد بشود یا قبول بشود و من نمیدانم که آقایان نمایندگان و دولت در این باره چکار خواهند کرد و آقای دولت جدید چکار می خواهند بکنند بنده نمی دانم من وظیفه خود می دانم که این حرف را بزنم (آزاد - باید قرارداد لغو بشود) باید تکلیف آن معین بشود عرض کنم مطلب دیگر در این است بنده یکماه قبل از اینکه در مجلس شورای ملی و یاد مجلس سنا یاد روزنامه ها مذاکراتی داده بشود این جا بنده مطالبی گفتم و اشاره کردم بیانیه ای که جان وایلی سفیر کبیر سابق امریکا در ایران وقتیکه رفته بود بامریکا يك نامه داد بکنگره در آن نامه بهیچ وجه من الوجوه ذکر می از کمک های مالی نبود بنده آن نامه را آوردم این جا بخوانم آقایان گفتند که در این نامه کمک مالی هست بنده دیگر نتوانم آنوقت بنده عرض کردم که تا وقتی کمک اقتصادی و مالی بنا نشود کمک نظامی بهیچ وجه من الوجوه يك پول ارزش ندارد (صحیح است) حالا هم عرض می کنم آن حرفی که بنده يك ماه قبل عرض کردم صحیح است و باز تکرار می کنم و در مصاحبه ای که سفیر جدید کرده است گفته است ما راجع بکمک مالی و اقتصادی مشغول مطالعه هستیم اگر مشغول مطالعه هستند دیگر هر روز يك دسته مستشاران مشاوره که می آورند مستشاران مشاوره که اینجا دعوت میکنند بمنابین مختلف می آورند و ششصد هزار دلار در این ۳ ماه پیش است تفصیلش را نمیدانم « ششصد هزار دلار مخارج مستشاران کرده اند که سوار طیاره شدند و رفتند سیستان و برگشتند و يك پروژه دادند (نورالدین امامی - راوی ابوهریره بوده) منظور بنده اینستکه بنده بنام پکفر ایرانی

و بنام يك نماینده مجلس در پشت این تریبون و در این مرجع رسمی بدولت امریکا خطاب میکنم و میگویم که اگر کمک مالی و کمک اقتصادی نشود کمک نظامی يك پول ارزش نخواهد داشت (آشتیانی زاده - صحیح است) عرض دیگرم راجع باین لایحه ای است که امروز دولت جدید بنا قید دو فوریت میخواهد تقدیم کند البته همه آقایان همیشه از تمرکز کارها کدر مرکز تمرکز پیدا کرده و شهرستانها نیرداخته شکایت دارند این لایحه را بنده هنوز آیین نامه اش را خوانده ام البته اگر مخالف قانون نباشد و واقعاً دادن کارها بدست مردم باشد بنده هم رای خواهم داد ولی بنده همانطوریکه مکرر در اینجا عرض کرده ام تنها چیزی که هم لازم دارند جناب آقای رزم آرا ایجاد کار است بنده خاطر می آید که یکروز ۶ ماه ۷ ماه قبل خدمت سرکار بومد صحبت از اوضاع مملکت بود و نقشه ایران نیز جلوسرکار بود فرمودید که چه عیب دارد از شمال به خلیج فارس و از اینطرف هم از مشرق بمغرب يك خطی کشیده شود این يك نمونه ای بود از افکار شما که میبایستی برای این مردم ایجاد کار کرد و این یکی از چیزهایی بود که بنده را وادار کرد بشما رای دادم چون فکر کردم که شما اول برای مردم ایجاد کار خواهید کرد و حقیقه هم اول باید برای مردم فکر کرد همانطوریکه آقای دکتربقائی فرمودند مردم هر روز برای کار با ادارات مراجعه میکنند استخدام هم که متنوع است اینها هم هم نیستند تحصیل کرده اند و خوبند ولی چکار باید بکنیم کاری برای اینها نیست بنده فکر میکنم که اگر بهمین طریق پیش برود در مملکت فقط عنوان کار خدمت اداری باشد و هر سالی که جلو میرود ۲ هزار نفر ۳ هزار نفر فارغ التحصیل داشته باشیم ۲۰ سال دیگر نمایانم وضع ادارات چه میشود باید ایجاد کار کرد و ابتکار هم باید طوری عنوان داشته باشد کدر ردیف و در شان کارهای دولتی باشد در آمریکا چکار کردند آنطوری که بنده در کتب تاریخ و جغرافی و غیره خوانده ام در آمریکا دولت ب مردم همکتار زمین میدهد پول میدهد تا زراعت کنند و با بروند و معدنی کشف و استخراج کنند و آن معدن هم مال آنها باشد . برای تصویب این لایحه دولت مارای میدهم ولی يك توهماتي هست بنده هم فکر میکنم که این لایحه را باید خوانند و اصلاح کرد تا رفع نگرانی از آقایان بشود اما ما وقتی که پول نداریم در شهرستانها چه میتوانیم بکنیم ؟ در شهرستانها باید پول باشد که مدرسه ۶ مدرسه بشود بعضی از شهرستانها اصلاً پول ندارند و شاید در آمدشان به يك دهم خرجشان نمیرسد و از مرکز استانهای دیگر ب آنها کمک میشود (رئیس - آقای اسلامی بفرمایید تمام شد) نظیر بساعت بنده دقتی دیگر مانده است بنده عقیده ام اینست که يك قانون همسرانی کدر سال ۱۳۱۶ تصویب شده بود و ما در دانشکده حقوق آنرا تئوری وار خوانده ایم و عقیده دارم که قانون بسیار خوبی است و بایستی باین قانون توجه

بکنید قانون بسیار خوبی است و هر از چیز هائی را که دولت در نظر دارد بدست مردم بچنانچه آورد بنده فقط منفی بانی نمیکم و يك راه مغتنم نوشته میشود بنظرم رسیده که هر چه زودتر میشود برای مردم تولید کار کرد اینستکه در سهمیه صادراتی که اگر بنظر آقایان رسیده باشد ماسالی ۸۰ میلیون بابت قماش و ۱۳۰ میلیون پول بابت شکر بمفرستیم بخارج این سهمیه است من عرض نمیکم و آنرا بحساب نیآورم جمع این دو مبلغ میشود ۲۱۰ میلیون تومان بنده با یکی از کارشناسان اقتصادی که روی فکر خودش الان میلیون است فقط با فکر خودش کار میکند صحبت کردم (و کتر کامی - ایرانی است یا خارجی ؟) ایرانی است میگفت ما با ۱۰ تا ۱۰ میلیون میتوانیم يك کارخانه شکر وارد کنیم ملاحظه بفرمائید با ۲۱۰ میلیون میتوانیم چند کارخانه وارد کنیم که اصلاً بایمان هم بخارج نرود و این بیکارها هم مشغول کار شوند اصلاً دولتها بهیچوجه باین قسمتهای اساسی توجه نمیکند فقط کارها يك تشریفات اداری و نقل و انتقال است که یکی بیاید و دیگری برود آقایان این مسائل مهم است اینرا باید مورد توجه قرارداد باید اول فکر کرد که پول ما از مملکت خارج نشود این يك موضوعی است که دولت میتواند انجام دهد با پول یکسال میشود ۱۰ کارخانه وارد کرد بنده در این مسافرت ۴ یا ۵ روزهای که بهرامسر کردم يك چیزی راجع باین برنامه هفت ساله که همانطوریکه بارها عرض کردم من آنرا مال مملکت ایران نمیدانم چون جز دزدی کار دیگری نمیکند حالا يك چیزی که خودم از این برنامه دیده ام عرض میکنم این دیگر جای انکار ندارد يك اداره جای بود در شمال جای آنجا نخرید یکمده کارمند هم داشت که ۱۲۰ یا ۱۳۰ تومان حقوق به آنها میداد بومی هم بودند و با آن ۱۲۰ تومان هائله شانرا اداره میکردند آقای نخست وزیر توجه بفرمائید سازمان برنامه بحرف کسی گوش نمیدهد بحرف وزرا که گوش بدهکار نیست نمایندگان که بجای خودشان بنده کاری در سازمان نداشته ام و الا اگر کاری میداشتم گوش این آقای دکتربقائی را میگرفتم و از سازمان بیرون میانداختم اگر کار مشرومی داشته باشم همین کار را میکنم ولی تا حالا یکسال است که تشکیل شده من به آنجا نرفته ام در سازمان آمدند و شرکت جای درست کردند و البته عده ای هم که شاید حسن نیت داشتند بلافاصله رفتند آنجا و ۵ یا ۶ نفر کارگر بیچاره ای که کار میکردند و حقوق ناچیزی میگرفتند بیرون کردند و بجای آنها ۶ نفر از منی را بیا می ۲۵۰۰ تومان ۲۲۰۰ تومان ۲۳۰۰ تومان استخدام کردند و بلافاصله ۵۰ جیب خریدند ۱۰۰ کامیون اجازه کردند و الا ن هم عرض میکنم که چائی که این شرکت برای دولت حاصل خواهد کرد ده مقابل قیمتی است که بایستی تهیه بشود کار اداره جای سابق هم خیلی بد بود برای اینکه تمام محصول شمال در سال ۳۰۰۰ تن بود از ۷۰۰۰ تن هم بیشتر خریده میشد

فوریت، باید بطور مادی این چند روزه تعطیل مجلس فوریتی لازم ندارد. امراسر کردم نتوانستم سایر جاهای درست شده است. دوم در آنجا از وضع این کارگرانی که از خدمت خارج کرده اند اطلاع پیدا کردم رئیس آنجا را خواستم ملاقات کنم نبود گفتند رفته است بلند واز فراری که شنیدم آن مستخدمین به وزارت دارائی هم شکایت کرده اند و بدشنیدم که آقای وزیر دارائی، نخست وزیر سابق کاهند نوشته اند که آقا چرا این کار را کرده اند منظور از سازمان برنامه اینست که کارگران را مشغول کار بکنند چرا اینها را بیرون کرده اند و بیکارشان میکنید عرض دیگر بنده راجع به های خارجه است که شنیدم یک باندی تشکیل شده و میخواستند وزیر شفاها عرض کردم خواهش مندم توجه بفرمایند جلوی این سوء استفاده هارا بگیرند این جای هم واقفاً معائناتی شده است.

۴- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای نخست وزیر بقیدیک فوریت و تصویب فوریت آن

رئیس - وارد دستور میشود آقای نخست وزیر بفرمایند **دکتر مصدق** - با فوریت لایحه مخالف **آشپانی زاده** - با فوریت مخالف **دکتر بقائی** - با فوریت مخالف

نخست وزیر - در اینجا آقایان و کلاه مطالبی فرمودند راجع به بیکاری و تهیه کار برای بیکاران راجع بقر و فاقه عمومی اگر دقت کنیم این اقدامات همیشه مقدور و ممکن است ولی دست زدن به این قبیل اقدامات تا وقتیکه سازمانی وجود نداشته باشد ممکن نیست سال گذشته در نتیجه وضع ناگوار آذربایجان ملاحظه فرمودید که چه قسم مردم رو بطهران آوردند و جمعیت زیادی دیدید که هر روز بطهران وارد میشدند تصدیق امر همه باحسن نظر و ملاحظه کوشیدند برای اینکه مردم را از این بدبختی نجات بدهند اقدام هم نکردند ولی اگر ملاحظه کنید مغارجی که شده و نتایجی که حاصل شده خواهد دید که مغارج بسیار است و نتایجی که حاصل شده صفر است چرا چون سازمانی وجود نداشت مردمی که از مراغه یا سایر شهرستانهای آذربایجان بدلیل استیصال روی بطهران میآوردند در اینجا در تهران مجبور بودند اینها را در کرج جمع آوری بکنند در کرج چه کردند جز اینکه روزی چند تا نان بایشان بدهند با مقداری پول ولی از آنها کاری نتوانند بدهند اما هم بعد از مدتی بفکر این افتادند که از اینجا استفاده کنند عده ای از آنها برامسازی واداشتند ولی آنها کی بودند عده ای کشاورز بودند و عده ای هم اشخاصی بودند که دارای اوضاع حسابی بوده اند سال گذشته اگر آذربایجان بواسطه بدی اوضاع و احوال هوا وضعیتش بد بود سال آینده شاید در اثر نبودن کشاورز دارای زراعت نباشد در صورتیکه تردید نداشت که اشخاص باحسن نظر کار میکردند اعتبارات دولت صرف شد مجاهدت شد ولی نتیجه تقریباً صفر بود پس امروز برای هر کاری و هر قدم اصلاحی که میخواهیم برداریم باید سازمانی بوجود بیورید که آن سازمان قدرت اجرای

نظریات اصلاحی شما را داشته باشد با وضع کنونی با طرز تمدنی که ما داریم امروز شما همه حسن نیت دارید ولی نمیشود فکر کرد که در نقاط دور افتاده مملکت اوضاع چگونه است من حدس نمیزنم که کسی پیدا بشود که بخواهد افراد کشور و مردم ایران در آن وضع بدتر بپرند در یک وضع نامطلوب بگذرانند و با فقر و فاقه دست بگیران باشند و برای همین بود که موفقیکه افتخار تشکیل دولت به اینجانب واگذار شد با همکاران خود اولین نکته ای که مورد دقت قرار دادیم این بود که برای رهائی مردم از بدبختی طرحهایی تنظیم بشود تا شاید برای اجرای نظریات آقایان باین منظور برسیم برای اینکار ۲ طرح تهیه شد که طرح اول از نقطه نظر اداری بود و طرح دوم از نظر اقتصادی طرح اول طرحی است که الان تقدیم جناب آقای رئیس مجلس خواهم کرد و تقاضا دارم که مورد توجه قرار بدهند یعنی تا وقتیکه این طرح مورد دقت و توجه قرار نگیرد نمیشود طرح اقتصادی را در دستور قرار داد چون تا وقتی سازمانی نیست هر تصرفی و هر اقدامی بشود هیچ نتیجه ای جز اتلاف پول و از بین بردن سرمایه این مملکت نتیجه دیگری ندارد لذا بنده تقاضا دارم از آقایانی که هلاکه دارند که از این بدبختی رهائی پیدا کنیم اول سازمان کشور رسیدگی فرمایند و آن را درست کنند آنگاه روزیکه سازمان کشور روی پایه اساسی و دقیقی قرار گرفت آن روز میتوانیم مطمئن شویم که اگر یک شاهی یا ملبونها تومان در شهرستانها خرج کنید آن پول بهتر نرفته و بالاخره بیهیصرف نخواهد ماند پس بنده تقاضا دارم که مخصوصاً نسبت باین موضوع توجه خاصی مبذول بفرمایند تا بنده و همکارانم بتوانیم در اجرای نظریات آقایان نمایندگان و برای جلوگیری از وضع بد کنونی اقدام کرده مردم را از این وضع کنونی نجات بدهیم و افکار آقایان را انجام بدهیم. **رئیس** - لایحه فرائد میشود (ماده واحده لایحه شرح زیر فرائد شد)

ماده واحده - بدستور اصول ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی از این تاریخ آن قسمت از امور اجتماعی که با منافع عمومی معنی مردم کشور ارتباط دارد و توسط انجمن های محلی که در هر یک از واحدهای موجود کشور تشکیل میشود اقدام و اداره خواهد شد

تیسره - سازمان اداری هر یک از استانها شهرستانها بخش ها، دهستانها، شهرها، دهات و طرز انتخابات و تشکیل انجمنها و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و وظایف انجمن و چگونگی انجام آنها و طریقه انتخاب استانداران، فرمانداران و کلیه مأمورین محلی و دولتی و جزئیات دیگر بموجب آیین نامه ای که بتصویب کمیسیون مربوطه میرسد اجرا خواهد شد از تاریخ نشر آگهی انتخابات انجمن های شهرداری موجود معطل و وزارت کشور قائم مقام تمام انجمن ها خواهد بود **رئیس** - فوریت لایحه مطرح است آقای

دکتر مصدق بفرمایند **دکتر مصدق** - طرحی که آقای سیهید رزم آرا بمجلس آورده اند طرح تجزیه ایران است اگر آقایان اجازه میدهند که من در فوریت این لایحه این مطلب را ثابت بکنم بنده هرایش خودم را عرض میکنم اگر اجازه نمیدهید و میفرمایند که آقای رئیس بعد از ۱۰ دقیقه زنک خودشان را بکشند و نگذارند من صحبت کنم و نظامنامه را شما برای ایران ندانید و ایران را برای نظامنامه بخواهید محتاج نیست که من شروع بکنم و بواسطه زنک رئیس این تریبون را ترک کنم از آقایان نمایندگان من سؤال میکنم که بن این حق را میدهند که تا آخر از این طرحی که برای تجزیه ایران بدست این مرد تهیه شده هرایش خودم را عرض کنم اگر اجازه نمیدهید مرخص شوم (رئیس - این لایحه که تقدیم شده با یک فوریت است و دو فوریت ندارد) نه اصلاً فوریت لازم ندارد بنده اجازه خواستم شما اجازه ندهید (و با حالت تأثر ناطق ادامه داد) امروز که روز تجزیه ایران است اگر حرف نزنم باید بروم در خانه خودم بزم نمیتوانم تحمل کنم ایران تجزیه شود و من سکوت کنم (جمعی از نمایندگان - مانعی ندارد بفرمایند) آقا زنک را نمیکشید؟ (رئیس - البته با اجازه مجلس بفرمایند) من آقایان تا ۲ ساعت بعد از ظهر دیروز از این ماده واحده اطلاع نداشتم دیروز گرفتار بودم و پذیرائی داشتم دو ساعت بعد از ظهر این ماده واحده را خواندم و خواستم نطق خودم را تهیه کنم خانوادهم گفت برو راحت کن گفتم کجا راحت کنم؟ من چطور میتوانم راحت کنم من کی میتوانم راحت کنم من باید تا ساعت آخر تا جان در بدن دارم از وطنم دفاع کنم امروز شروع بنوشن نظمم کردم دیشب هم گرفتار جلسه جبهه ملی شدم در آنجا هم یک پیش آمدی رخ داد و آن این بود که این آقای حاضر (اشاره به نخست وزیر) یکی از اعضای ما را دعوت کرده بودند که استانهار بشود و پنج هزار تومان به ایشان حقوق بدهند تا از خط مستقیم منعزفش کنند وقتیکه آقا آمد در جلسه دیشب جبهه ملی این را گفت گفتم آقا تو یکم به نیکنامی خدمت کرده ای حالا میخواهی انتحار سیاسی بکنی مرده شوی این پولی را ببرد که بتو می دهند تو از گرسنگی بگری بهتر از این است که این پول را از دست این اشخاص بگیری این کار را قبول نکن گفت من در شرکت لوله الکساندر کب هستم اگر این کار را نکنم این آقا مرا از آنجا خارج می کند و امر نمیکند گفتم وقتی این آقا ترا از آنجا خارج کرد یک عده ای هستند که زندگی ترا تامین میکنند بیا و در این میانه نام نیک را از دست نده این هم گرفتاری دیشب جبهه ملی بود که عرض کردم حالا که آقایان بن اجازه داده اند که هرایش خودم را عرض کنم شما را بعداً قسم می دهم شما را همان فرآنی که در اینجا به آن سوگند خورده اید قسم

می دهم که خوب توجه کنید اگر هرایش من صلاح مملکت است شما نباید بواسطه یک چیزهایی از صلاح مملکت بگذرید و باید بامن همراهی کنید که این فوریت تصویب نشود ما در مملکت خیلی کارهای ضروری تر از این داریم مگر مملکت اصلاحش به سازمان است که این آقای می گوید تا سازمان آن درست نشود من کار نمیتوانم بکنم مملکت اصلاحش به مجازات و مکافات است آن روزی که به این آقا گفتم من اگر دعوت بشوم بیایم در وزارت جنگ ملبونها دزدی را ثابت میکنم اگر راست می گفت، اگر پاک بود می بایست یک چنین لایحه ای را می آورد به مجلس و می گفت مجلس شورای ملی این دکتر مصدق را مأمور کنید بیاید بحساب من رسیدگی بکنند من اگر نرفتم بحساب آفراسیبدگی نمیکردم آقا را محکوم نمیکردم آقا هم بیایند در مجلس بعنوان اتهام بنده را تعقیب قانونی بکنند راهش این است اگر شما میخواهید اصلاح بکنید آن روز که من گفتم، آن روز که من مدعی شدم موافقت میکردید کی در این مملکت چنین ادعاهائی کرده؟ بن میگویند منفی بافی؟ من منفی بافم بن برای این که کار اصلاح بشود کار رجوع نمی کنند، من منفی بافم من در این مجلس گفتم یک کمیسیون پنج نفری انتخاب بشوند یکی از آنها هم من باشم بروم و آن دوست میلبونی که در تحت نظارت این مرد خرج میشود در برنامه خرج میشود رسیدگی بکنم آن روز روزی است که شما میتوانی در این مملکت اصلاحات بکنید والا شما بیایید این آدمی که در فلان اداره است بردارید و سربیکار دیگری بگذارید چون باشا دوستی دارد چون با شما ارتباط دارد میخواهید با این کارها مملکت را درست بکنید؟ این حرفها را مردم ایران خیلی شنیده اند و از شما قبول نمیکند.

قبلاً لازم است عرض کنم که سابقه بدی بین این جانب و آقای سیهید رزم آرا نبوده و فقط بعد از قتل هژیر که حکومت نظامی مرا از طهران تبعید و چهار نفر از آقایان همکارانم را در شهر بانی بازداشت نمود چنین گفته شد پیشنهاد حکومت نظامی بدولت برطبق نظریات آقای سیهید رزم آرا بوده است.

خاطر دارم که روزی با مرحوم تیمور تاش صحبت در میان بود گفت اعلیحضرت از مخالفت شما در مجلس باد کتر بلویسیو بسیار خوشوقت و کمال رضایت دارند و من از ایشان خواهش کردم این مطلب را برای دیگری نقل نکنید و گفت آیا ما آنقدر مغروریم که استعضار مردم از رضایت ما ضربه متوجه شما نمایم.

حال لازم است عرض کنم که این تبعید و بازداشت برای ما ضرر نکرد زیرا آنقدر خسته بودم که بعد از ۴۲ روز استراحت وقتی حکومت نظامی تصمیم گرفت مأمورین کار آگاهی بشهر حاضر شوند خواهش کردم باز مدتی بمانند تا بیشتر استراحت نمایم.

و نتیجه دیگر این بود که مردم بیشتر متوجه ما شدند و در نوبت دوم انتخابات طهران بما بیشتر رای

داده اند بر فرض اینکه این تبعید و بازداشت برای ما ضرر کرده بود من آنکسی نیستم که از مصالح مملکت روی این چیزها بگذرم.

وقتی که شهرت پیدا کرد سیهید میخواهد در یک اتور شود خواستم آنچه خیر مملکت بود تلفنی بایشان بگویم و چون خانه نبودند و بطوریکه در زمان ملاقات اظهار کردند تلفن من بایشان نرسید و منظور من معلی نشد این بود که نظریات خود را در جلسه ۴ و ۲۳ خرداد مجلس شورای ملی راجع بزمامداری ایشان بعرض عام رسانیدم ولی بعد از بیاناتم در مجلس یکی از آقایان نمایندگان از من تقاضای وقت ملاقات نمود که پنجشنبه اول تیر دست داد و قرار شد روز جمعه در شهر بمانم و آقای سیهید مرا در منزل ملاقات نمایند این ملاقات بعمل آمد و چون معلوم نشده بود که مذاکرات ما باید مستور بماند یا فاش شود با تلفن سؤال کردم جواب دادند افشاء نشود و در آخر گفتند «من خود را در اختیار شما میکنم»

از این بیان چنین استنباط نمودم که ملاقات مابین نتیجه نبوده است ولی طولی نکشید که نخست وزیر شدند و اکنون معلوم نیست که من در اختیار سیهید واقع شده ام یا ایشان در اختیار من.

بدیهی است که چون قرار شد مذاکرات ما فاش نشود مقتضی نیست تمام آنچه ما گفته ایم اظهار نمایم و فقط قناعت می کنم باینکه عرض میکنم ایشان گفتند «غیر از من کسی نیست که بتواند امروز اصلاحاتی بکند» و من هم در جواب گفتم (وای بحال مملکتی که مصلح آن منحصر بفر باشد چنانچه این مصلح رفت تکلیف مردم چه میشود)

بالاخره ایشان نخست وزیر شدند و اکثریت مجلس شورای ملی هم بپیرنامه دولت رای داد و این رای هم یکی از هژدهای دوسه رأیست که در بعضی ادوار تقنینیه نمایندگان داده اند.

توضیح آنکه بعد از دوره دوم تقنینیه که دخالت بیگانگان در انتخابات ایران رو بشدت گذاشت معمول آن بود که متولی های مجلس یعنی آن نمایندگان که مجری سیاست بیگانگان می شدند خانه و کلاهی تازه وارد رفته و بعد از تبریک و تهنیت سؤال می کردند که صاحب خانه برای دوره بعد هم داوطلب نمایندگی هست یا نیست.

البته صاحب خانه ولو در تحت لفافه هم بود از داوطلبی امتناع نمی کرد و متولیان هم می گفتند اهل محل غیر از شما کسی را ندارند و چون شما می توانید شخصاً برای خود کار بکنید این کار بعهد ما که شما را باز برای دوره بعد انتخاب کنند ما هم از شما تقاضائی نداریم چیزی نمی خواهیم فقط انتظار داریم اگر در جریان این دوره نیازمند بدو سه رأی شدیم از ما مضایقه نکنید و ما را یکمک خود امیدوار نمائید و این دوسه رأی وقتی تقاضا می شد که قضیه سیاسی بزرگی در پیش بیاید

ولی بعد از کودتا که دولت قوی شد دیگر

تقاضای دوسه رأی مورد نداشت و هر از چیزهایی پیشنهاد می نمود از مجلس میگذاشت و چنانچه وارد مخالفت میکرد نامش در لیست مردودین نوشته میشد که در دوره بعد او را انتخاب نمایند

معروف است که روزی شاه فقید یکی از نمایندگان دوره ششم تقنینیه که بلا یحه راه آن رای نداده فرموده بود (بلا یحه دولت چرا رای ندادی) و آن نماینده عرض کرده بود فریبان ما و کلا که نمی توانیم در پیشگاه قله عالم مدعی نمایندگی ملت بشویم شرح قضیه این است وقتی این قبیل لوابج بمجلس می آید اگر کسی در آن صحبتی نکند و توضیحاتی ندهد و مجلس رای بدهد بر فرض این که بما ایراد کنند می گویم ببخشید اشتباه کرده ایم ولی وقتی که در مجلس اشخاص توضیحات بدهند و عیب و نقص لوابج را بگویند اگر ما رای بدهیم مردم باجه خواهند گفت خوب است قبله عالم اول مجلس را منظم فرمایند که حرف و صدا از کسی بلند نشود آنوقت هر چه از این قبیل لوابج بیآورند چا کران غیر از اطاعت تکلیفی نداریم.

این مذاکرات سبب شد که از دوره هفتم بیمد و کلاهی طهران راهم دولت انتخاب کند و هم آزادی انتخابات طهران زمین را برای تصویب لایحه تعدید امتیاز نفت طوری فراهم کند که بعضی آلت فعل بشوند. و در مجلس هم حتی یک نفر مخالفت نکند و مجلس لایحه را در یک جلسه تصویب نماید.

ولی امروز احتیاج باین حرفها نیست چون که عده زیادی از نمایندگان آنقدر گرفتارند که با هر موضوعی که پای خارجی در آن باشد ناچارند موافقت کنند و عدم موافقت سبب خواهد شد که پرونده های آنها سیر قانونی خود را بکنند و اگر تصادفاً هم موضوعی پیش آمد که نفع مملکت و خود نمایندگان در تصویب آن باشد مثل طرح پیشنهادی اینجانب راجع به تفسیر اصل ۴۸ مجلس مؤسسان فلاهی ضررهائی که از جریان پرونده متوجه آنها می شود بقدری بزرگ باشد که با منافع موضوعی که در نفع ایران و نمایندگان است قابل مقایسه نباشد و از نفع مشترک برای ضرر احتمالی صرف نظر نمایند.

و اما مخالفت من با نقشه خود مختاری من هیچوقت نگفتم و نمی گویم شهردار هر شهری را مردم خود انتخاب نکنند زیرا ترتیبی که تاکنون بوده سبب شده که شهردار بانکار مردم توجه نکند و با پشتیبانی بعضی از نمایندگان شهردار کسی شود که مردم او را نخواهند.

و باینکه در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی دوره اول تقنینیه تعدید نظر نشود و در هر استان انجمنهای نامبرده تشکیل نشوند ولی با تشکیل دولتهای خود مختاری سبب خواهد شد که بد وطن عزیز ما بدولت های کوچک تجزیه شود.

من شنیده ام که نقشه این خود مختاری را چندین قبلی یکی از دول سر مایه داری با علی حضرت هما یون شاهنشاه پیشنهاد کرده است و چون شاهنشاه وطن پرست با آن موافقت فرموده اند این دولت روی کار آمده است که کور کورانه

مقصود دول سرمایه داری را انجام نماند
ایرک بر آن افسرانی که باید در راه حیات و
مصالح ایران کشته شوند اکنون مجری این نقشه شده
و می خواهند نام ایران را از صفحه تاریخ مبدوم نمایند
چون جناب آقای دکتر هاری گرییدی سفیر
کبیر آمریکا در پاسخ آقایان مدیران جرائد جبهه
ملی اظهار نموده اند که (دولت آمریکا نه تنها در
ایران بلکه در هیچ کشور دیگر مداخله نکرده
و نمایندگان سیاسی آمریکا در تمام کشورها موظفند با دولتهای
که سرکار هستند کار کنند) نقل از اطلاعات شماره
۷۲۶۸ خوب است تکذیب کنند نه سفیر سابق و
نه هیچک از منتسبین سفارت آمریکا با اهلحضرت
هدایون شاهنشاهی در اینباب مذاکرانی نکرده اند
قبل از تشکیل دولت رزم آرا هم با سفیر رزم آرا
از طرف سفارت مذاکرانی شده است.
آنهاهی که تاریخ دیده اند می دانند که دول
خود مختار امروز دولی نیستند که ابتدا دولت واحد
و تائیل بر کزیت بوده و بعد روی مصالح مملکت آنها
قائل بدم مرکزیت بود و خود را بصورت فعلی در
آوردند بلکه اول دولت های کوچکی بوده اند که
ضعیف و ناتوان بوده و بواسطه اتحاد و تجمع قوا
خواستند اند بهتر از منافع خود دفاع نمایند
و آن دولتهایی که اصلا دولت واحد و قائل
بمرکزیت بوده و بعداً خود مختار شده اند علل دیگری
در کار بوده که هر یک جدا گانه شرح داده میشود
یا این بوده است که بعضی از مللی که از زبان
و یا نژادشان با دولت اصلی مختلف بوده احساسات
ملی و آزادی و سوه رفتار دولت اصلی سبب شده
است که آنها دعوی خود مختاری کنند و پس از
تهیه زمینه خود را از دولت اصلی جدا نمایند
و یا اینکه چون دول استعماری از یک دولت
واحد و قائل بمرکزیت و نسبت قوی نمی توانستند
سوه استفاده کنند اسبابی فراهم کرده اند که دولت
اصلی بدول کوچک تقسیم شود و هر یک از قسمت
های آن را تحت الحمايه و یا منطقه نفوذ خود قرار
دهند و امثال ذیل حقیقت این بیان را تأیید مینماید
دول کوچکی که متحد شده اند برای این که
آزادی خود را بهتر حفظ کنند
۱ - سوئیس که اتحاد سه کانتون اوری -
شویز-اوتنروالد در سال ۱۲۹۱ میلادی پس از آن
العاق تدریجی ۱۹ کانتون دیگر بآنها دولت فعلی
سوئیس را بوجود آورده است و با این که مملکت سوئیس
دارای ۳ زبان رسمی یعنی زبان آلمانی فرانسوی-
و ایتالیاییست از نژاد مختلف تشکیل شده سنی
آن دولت همیشه این بوده است که بوسیله وضع
قوانین واحد و واجب الاجرا در تمام مملکت اتحاد و
مرکزیت خود را تقویت کند
۲ آلمان - اتحاد دول ژرمنیک ، گوئند
راسیون ژرمنیک سبب شده که آنها در سال ۱۸۷۰
وحدت ملی خود را اعلان نمایند
۳ - ایتالیایی روی اصل تجمع قوا بود که از
سال ۱۸۵۹ تا ۱۸۷۰ میلادی تمام دول کوچکی که

در شبه جزیره ایتالیا بودند تحت سلطنت و بکتور امانوئل
پادشاه ساردین واقع شدند
مللی که از دولت اصلی خود مختاری
گرفته و بعد خود را از آن جدا کرده اند
۱ صربى - که در سال ۱۳۸۹ میلادی تحت
سلطه ترکیه قرار گرفته بود و در سال ۱۸۱۵ خود
مختار شد و در کنگره برلن سال ۱۸۷۸ میلادی
استقلال آن شناخته شد
۲ رومانی - که سال ۱۸۶۱ از ترکیه خود
مختاری گرفت و کنگره برلن استقلال آن را تصدیق
کرد.
۳ بلناری - که در همان کنگره خود مختار
شناخته شده بود و در سال ۱۹۰۸ میلادی استقلال
خود را بدست آورد
۴ یونان - که تحت سلطه ترکیه بود و پس
از جنگ های بسیار در ۱۸۳۰ میلادی کنفرانس
لندن استقلال او را شناخت
دولتی که در نتیجه عهدنامهها و جنگ تحت منطقه
نفوذ و یا نظارت واقع شده اند
۱ ایران - که بواسطه قرار داد ۱۹۰۷
بنقله نفوذ دولت روس تزاری و انگلیس تقسیم شده بود جنگ
بین المللی و احساسات ملت ایران و سیاست هافلان
دولت اتحاد شوروی سبب شد که قرارداد مزبور از
بین رفت .
(۲) مراکش - که دولت واحد و
مستقلی بود فرانسه و اسپانیا آن را بین خود
تقسیم نمودند .
(۳) آلمان - که بآلمان شرقی و غربی تقسیم
شده و تحت نظارت دول کمونیست و سرمایه داری
قرار گرفته است .
(۴) کره - که بدو قسمت تقسیم شده ؛
کره جنوبی و کره شمالی و اکنون آمریکا و عده ای
از دول عضو مجمع ملل متفق از کره جنوبی و
دولت اتحاد جماهیر شوروی از کره شمالی در سرمنافع
بهم جنگ می نمایند .
خلاصه اینکه اقسام این دول بسیار است و دول
بزرگ دنیا این متصرفات و استعمرات را بدست نیاورده
اند مگر با ظلم و تزویر و حیل - قلم بشکنند و
نویسم که چون افکار عمومی دنیا امروز اجازه نمی
دهد عهد نامه ای بصورت قرار داد سال ۱۹۰۷
تنظیم کنند این است که می خواهند ایران وطن عزیز
مارا با تصویب این ماده بدول خود مختاری تقسیم
و بعد قسمت های مورد احتیاج را تحریک بدم
اطاعت و خود سری کنند و آنها را باندازه ای تقویت
نمایند بدوجه ای برسند که هر چه می خواهند از آنها
استفاده نمایند .
البته تحصیل امتیاز نفت و یا تمدید امتیاز
داری از تحت الحمايه ای مثل بحرین سهل تر است
تا اینکه آنها را از دولت بزرگی مثل ایران
درخواست نمایند .

در خانه لازم است عرض کنم که این ماده واحد
روی همان نقشه ای تنظیم شده که کمیسیون سه
جانبی آن را ترسیم نمود و دولت اتحاد جماهیر شوروی
در آن شرکت نکرد .
اگر آمریکا و انگلستان می خواهند دولی تأسیس
کنند و از آن دول امتیاز نفت و یا تمدید امتیاز
داری را بخواهند چه مانعی است که دولت اتحاد
جماهیر شوروی هم در آذربایجان و سایر ایالت
های شمالی این امتیاز را از پیشه وری و امتثال
آن نخواهد .
ممکن است آمریکا و انگلستان بگویند ما کار
خود را میکنیم آنها هم کار خود را بکنند و مانعی ندارد .
ولی ما که ایرانی هستیم باید از وطن خود
دفاع کنیم و بدانیم آن روزی که دولت اتحاد جماهیر
شوروی از پیشه وری امتیاز گرفت روزیست که آمریکا و
انگلیس هم در ایران نتوانند بمانند .
مانعی خواهیم امریکای وطن ما را اشغال کند و با دولت
های خود مختاری تشکیل دهند که مقصود خود را
از آنها حاصل نمایند و نه دولت اتحاد جماهیر شوروی
قدمی در مملکت ما بگذارد و امتیازی از دولتهای مغلوب
خود تحصیل نماید مای خواهد امری ایران در وسط دو
همسایه شمال و جنوب بماند و صلح بین المللی هم همین
طریق را ایجاب می نماید .
آقایان محترم، ای شما که بعنوان نماینده کی ملت در
اینجا جمع شده اید برای خدا باین ماده رأی ندهید
تا آئین نامه ای که بآن اشاره شده دولت بیاورد چون
که هر چه در اینجا نتوانستند بنویسند در آن خواهند
نوشت البته پس از تنظیم آئین نامه و اینکه معلوم شود
از تصویب این ماده چه نظری دارند آنچه در صلاح
مملکت باشد بنمایند .
اکنون سالهاست که دولتها دم از اصلاح میزنند
و هیچ اقدامی نشده .
اکنون چه چیز ایجاب می کند که ما با قید دو
فوریت این ماده را تصویب کنیم و کمیسیونی هم که
این ماده تعیین می کند و بآن اختیار می دهد آخرین
ضربت خود را بزند و نام ایران را از صفحه تاریخ
محو نماید .
من از آقایان سؤال می کنم شما در یک مسائلی
که اهمیت نداشتند و ندارد قوانینی باشد که اختیارش در
دست خودتان باشد هر روز بخواهیم می توانیم فسخ
کنیم، تغییر بدهیم ، القاه بکنیم آمدید گفتید که چون
مجلس شورای ملی نمی تواند حاضر نیست و وقت
ندارد که باین قوانین ماده ماده رسیدگی بکنند برخلاف
قانون اساسی بکمیسیون داد کستری اختیار دادید که
قوانین را بطور آزمایش تصویب کنند و بعد اگر
اصلاحاتی دارد بیاورد در مجلس پیشنهاد کند و مجلس
اصلاح کند این راجع بقوانین هادی است شما امروز بچه حق
واز چه نظر شما که یک ماده در یک لایحه دولت راجع
بفروش خالصجات که آنها هم بنفع چند نفر ملاک تهیه
شده بود در این جا صحبت کردیم چرا میخواهد آئین نامه

این قانون را بخواهد اصلاح بکنند که نمایندگان
تمام مجلس نباشد مگر بشما عرض شد که این
انتخابات دوره شانزدهم در کمیسیون تحقیق باش
رأی گذشت یعنی سابق بر این اگر اعتبارنامه یکی
از نمایندگان در مجلس با هفتاد یا هشتاد رأی تصویب
میشد هر کس میتواند نظریات خود را در آن اعتبارنامه
بگوید و خطای دولت را در آنجا اظهار کند و دولت را متوجه
کند باین که قانون مملکت را معترم بشمارد و در انتخابات
دخالت نکند در مجلس شانزدهم بناسبت آئین نامه .
ایکه در دوره شانزدهم گذشت و بطور آزمایش اختیار
داده شد که کمیسیون تحقیق باین اعتبار نامه ها
رسیدگی بکند ، وضعیت کمیسیون تحقیق چه بود؟
کمیسیون تحقیق مرکب از هیجده نفر نمایندگان
مجلس شورایی انتخاب شدند، قاعدتاً در هر کمیسیونی
وقتی که نصف بگذرد يك عده اعضاء آمدند جلسه
رسمت پیدا میکنند و میتوان رسیدگی کند پس بازده
نفر که در کمیسیون تحقیق حاضر شدند اکثریت
پانزده نفر شش نفر بود که اعتبار نامه هائی که همه
ملت ایران با آن مخالف بودند ملت ایران بنخواست
آن نمایندگان در این مجلس وارد بشوند در آن
کمیسیون تحقیق از روی رفاقت و از روی چیزهای
دیگر که شایسته مجلس شورایی نیست در این جا
عرض کنم گذشت ، (امامی اهری - بکمیسیون
تحقیق بیش از دو پرونده ارجاع نشد) حالا اجازه
میخواهم بآقایان عرض کنم چه چیز سبب شده است
که يك همچو ماده ای که دولت آورده شما میخواهد
بقید يك فوریت در این مجلس بگذرانید و بعد اختیار
بدهید بآن کمیسیونی که معلوم نیست چند نفر هستند
واز چه اشخاص درست میشوند مقررات ملت ایران را
تعیین کند ، چرا ؟ مگر شما وقت ندارید ؟ مگر شما
پول از ملت نمی گیرید ؟ مگر شما کاری از این لازمتر
دارید که امروز در يك کاری که این آقا میگوید
که اصلاحات مملکت بسته بآن است ، يك چند روزی
صرف وقت بکنید و آن را بکمیسیون بفرستید
کمیسیون تحقیقات خود را بکنند نظامنامه را بنویسد و
کمیسیون در آن نظامنامه نظریات خودش را بنهد
و بیاورند بمجلس ما نمایندگان مجلس خورایی در
اینجا نسبت به آن نظامنامه و این ماده اظهار نظر
بکنیم و این ماده اگر صلاح مملکت بود بگذرد و الا
چه دیکتاتوری از این بالاتر چه خلاف قانونی از این
بالاتر چه پشت بانی باصول دمکراسی زدن از این
بالاتر که این مرد بیاید این جا از مجلس تقاضا
بکند که اگر سازمان را درست نکنید من هیچ کاری

نیتوانم بکنم ، چرا ؟ امروز هم تصور که بعضی از
نمایندگان این جا اظهار کرد باید برای مردم کار تهیه
کرد باید مردم نان داد باید مردم را راضی کرد
شما ببینید عدم رضایت مردم از چیست؟ مردم آمده اند
بشما هر بیه نوشته اند که ما سازمان نداریم ؟ کی
بشما همچو چیزی نوشته است ؟ مردم آمده اند
بشما گفته اند شما در انتخابات ما دخالت نکنید
بگذارید ما نمایندگان خودمان را انتخاب بکنیم که آن
ها در محل با امور محلی علاقه مند باشند اینها حرف
مردم است ، روزنامه نویس آمده است گفته است
که شما چرا اصلاحات نمیکنید ؟ میگوید آقا مرا
توقیف نکنید روزنامه مرا توقیف نکنید مراجع
نکنید بگذارید من بگویم کی دزدی میکند وقتی که
روز نامه ای بشما نسبتی میدهد توقیف میکنید ،
این مملکت بشما قسم است اصلاح نمیشود ، محال
است ، مردم در این مملکت از حکومت هائی که در
سرتاسر این مملکت هست متفرند مردم نمیتوانند
در مصالح خود شان در چیزهائی که بآنها داده میشود
شکایت بکنند خود من چندین کاغذ شکایت از شما
دارم که اینها جرئت نکردند امضا بکنند و من چون
بکاغذهای بی امضا ترتیب اثر نمی دهم و شاهم
خواهید فرمود که این جعل است اگر درست بگویند
میگوید حرف زید اما کیست که در این مملکت
بتواند بارز آرا مبارزه کند ؟ آن بیچاره بدبخت
باید در فرود بندد و از بدبختی بارز آرا حرف نزنند
اگر رزم آرا را هم ببیند مجبور است از او اظهار
رضایت بکند عرض کنم این نقشه شما نقشه کمیسیون
سه جانبه ایست که دولت آمریکا و انگلیس در دوره
چهاردهم پیشنهاد کردند و چون دولت شوروی با این
نقشه موافقت نکرد ، نمایندگان هم با آن مخالفت کردیم
قریب بیست نفر از نمایندگان که عده ای در اینجا
حاضر هستند رفتیم وزارت خارجه مخالفت کردیم
این نقشه عملی نشد ، موضوع این بود که در دوره
چهاردهم وقتی که من بمجلس آمدم دیدم که کمیسیون
خارجه مجلس بایک اکثریت زیادی مرا انتخاب
کرده ، من بیخوفت مایل نبودم که در هیچ کمیسیونی
وارد بشوم و منت از یک نفر از همکارانم برای يك
رأی بکشم از عضویت کمیسیون خارجه خواستم
استمفا کنم آمدند . . . (یکی از نمایندگان - بلند
تر بفرمائید) بنده آزاد هستم مقدم بهمیم به بلند
گو . این بلندگو مرا آزاد نمیگذارد . آمدند مرا
در کمیسیون خارجه با يك اکثریت زیادی انتخاب
کردند ، من گفتم کمن عضو کمیسیون نمی شوم ،

گفتند که ابتدا بطور مشروط شما نشوید ، گفتند
يك لایحه خارجی ما بیاورند ملاحظه شمارا میکنند
و نمی آورند ، حتی باید عضو کمیسیون بشوید
تا این دوره از آوردن بعضی لوازم مضره جلو -
گیری نمود خوب حالا حرفی است يك همچو حرفی
نیزندند . این تشخیص را ندانستم از کجا دادند ولی
گفتم این کار را اگر قبول نکنم میگویند دکتر
مصطفی منفی بافت . بنده قبول کردم و در غیاب
بنده بنده را بریاست انتخاب کردند ، باز هم قبول
کردم ، شش ماه اول شش ماه دوم شش ماه سوم
بنده را بصوت انتخاب کردند و سوم بریاست ولی ؟
ماه چهارم دیدم من آرایم کم شد بریاست هم انتخاب نشدم
گفتم که من چه خیانتی چه جنایتی چه کاری کردم که
حالا آراه بعضی از نمایندگان از من منحرف شده
است من در این باب فکر کردم چیزی بظالم
نرسید تا این که یک روزی منزل بوم دیدم که
دهوتی کمیسیون کرده که در ساعت دو سه بملناز
ظهر که کمیسیون تشکیل میشود حاضر شوید در
صورتیکه اگر من می بایست در این کمیسیون حاضر
شوم اقلاً بایستی یروز قبل اطلاع بدهند نه اینکه
سه ساعت پیش همان روز بیاورند که این شاید
در منزل نباشم ، شاید سرم درد کند و حاضر نشوم ما
آمدیم در این کمیسیون ، آقای نجم الملک وزیر خارجه
بودند ، حالا در روزنامه های تهران نوشته اند که
کمیسیون سه جانبه پیشنهاداتی بدولت داده پیشنهاد
چست کمیسیون سه جانبه کیست این حرفها چیست
همه بیخبر و همه متوجه این هستند که بفهمند
این قضیه چیست از کجا آمده من در کمیسیون به
آقای وزیر امور خارجه گفتم که این کمیسیون سه
جانبی چه پیشنهادی کرده گفتند که خبر پیشنهادی
نکرده و يك کافدی بدون امضا داده و ما هم يك
جوابی بدون امضا نوشتیم و امضام نکردیم گفتم
آقا کی داده این یادداشت را گفتند که سفارت
امریکا و انگلیس گفتم پس چرا سفارت شوروی
نیاورده است اینکه کمیسیون ۳ جانبه نیست
کمیسیون دو جانبه است گفتند آنها هم خواهند داد
این گذشت يك عده از نمایندگان پشت در بودند
کمیسیون خارجه همین اطاق کوچک بود آنها همه
منتظر بودند که بنده از کمیسیون بیرون بروم از بنده
توضیح بخواهند که این کمیسیون سه جانبه چیست
من از کمیسیون خارج شدم و پرسیدند
همین مطالب را گفتم و اینها هم رفتند و در روزنامه
ها آنچه را که بنده گفتم همین تقریر نوشتند

خوب خاطر هست امروزه لقب بود،
نمی توانم تحمل بکنم که پیشنهاد کمیسیون سه جانبه
یک روز یا بدو در مجلس مطرح بشود و من نتوانم از مملکت
بفرار نمایم.

چه بکنم چه نکنم بنده به آقای سید محمد صادق
طباطبائی تلفن کردم که آقای طباطبائی شما یک
کمیسیونی از بیست نفر تشکیل بدهید که اینها
روز شنبه ساعت ۶ بعد از ظهر بیایند در مجلس بعد
هم نخست وزیر آقای حکیم الملک بودند بیایند در
مجلس و بنده شوالاتی برای این کمیسیون سه جانبه
دارم و باید بکنم. ایشان اقدام کردند روز
شنبه خاطر هست که مجلس ختمی در مسجد شاه
بود. یکی از علماء بزرگ فوت کرده بود که
دولت برای او ختم گذاشته بود آقای طباطبائی به لوی من
نشسته بودند و گفتند آقای حکیمی میفرمایند که من در
مجلس نخواهم آمد. بعد آقای حکیمی آمدند از
جلوی ما بگذرند من دیدم که لجاجت بکنم که
ایشان بیایند در مجلس یا ما برویم در وزارت خارجه
این برخلاف مصلحت است گفتیم که به آقای
حکیمی بگوئید برویم بوزارت خارجه ۶ بعد از ظهر
بنده آمدم و نمایندگان را برداشتم و گمان میکنم جناب آقای
رفیع، آقای ملک مدنی، یک عده پی حاضرند
(تیمورتاش بنده هم بودم) حضرت تالی هم بودید،
بیست نفر بودند مقصود این بود که بگویم شاهد
دارم در حضور آقایان رفیق بوزارت خارجه، آقای
نجم الملک آمدند و گفتیم آقا شما با این کمیسیون
سه جانبه موافقت یا مخالف؟ گفتند من عقیده خودم
را در مجلس اظهار می کنم. گفتیم حالا این
یادداشتی را که داده اند آن یادداشت چیست؟ گفتند
که من نمیتوانم آن یادداشت را بندهم از شما هم
گله مند که چرا حرفهای کمیسیون خارجه را بروزنامه
ها داده اید؟ من گفتم آقا این کار مملکت است کار
ملت است این کار محرمانه نیست باید مردم بفهمند
که در این لایحه مقدرات شان چه می شود مردم باید
خی تقی باشند فکر نکنند، اظهار عقیده کنند روزنامه
ها حیب و نفس را بنویسند و تنقید بکنند این حیب
نیست که من بروزنامه ها دارم. بعد که خیلی اصرار
کردیم آقای حکیمی متن فارسی آن پیشنهاد سه جانبه
که در جیبشان بود، در آوردند گفتند که اینست
پیشنهادی که متفقین داده اند آنچه بخاطر دارم این
پیشنهاد یازده ماده بود که چون قذف شده بود که

ما در نوشته لایحه بزرگترین من؟ تجابه آقای مهندس فرید
گفتم که دوسه ماده آنرا حفظ کنند من احتیاج
بآنها دارم. ایشان هم از بر کردند دو سه ماده را
و بعد از اینکه این ورقه در آمد به جناب
آقای نجم الملک گفتم آقای وزیر خارجه شما عقیده
خودتان را در باب این لایحه اظهار کنید گفتند که
عقیده من در مجلس گفته خواهد شد. مخصوصاً جناب
آقای ملک مدنی اصرار کردند که شما وزیر خارجه
هستید باید عقیده خودتان را اظهار کنید. ایشان
باز هم امتناع کردند. من گفتم که خوب آقای
نخست وزیر شما نظراتان چیست؟ آقای حکیمی خدا
انشاء الله مرشان بنده، آقای حکیمی و آنها مرد خوبیست
ایشان گفتند که عقیده مرا میخواهند من باین
لایحه مخالفم. گفتم به به احسن احسن آقا چیزی
که می خواستیم از این وزارت خارجه تحصیل کردیم
گفتم خوب، حالا که شما مخالفید چه خواهید کرد،
گفتند که چه می فرمائید بکنم؟ گفتم که متفقین
آمده اند یک ورقه ای بشما داده اند پروژه ای داده اند پیشنهاد
را بشما داده اند و شما هم یک کتتر پروژه داده اید. یعنی آن
ورقه ای را که متن فارسی بود دیدم که به لوی نماینده
سه دولت علامت صلیبی گذاشته شده و در حاشیه نوشته
اند دو نفر هم از ایران خواهد بود بنده گفتم
این چیست؟ می خواهند سرمان را بر نندومی گویند که دو نفر
هم از ایران باشد این چه معنی دارد؟ من آقای حکیمی گفتم
آقا دولی آمدند بشما پیشنهاد کردند که این نظریات
اجرا شود شما هم آمدید و کتتر پروژه یعنی لایحه
متقابل داده اید، اینست که اگر سفرانی
که این پیشنهاد را داده اند آمدند و گفتند ما پیشنهاد
متقابل شما را قبول کردیم دو نفر هم از ایران باشد
چه می فرمائید؟ اینکه نمی شود رئیس دولتی که یک پیشنهاد
متقابل می دهد، وقتی که مخالف باشد باید استعفا بدهد،
معمول همه دنیا این است یک دولتی که بایک چیزی
موافقت نمود بعد مخالف شد آن دولت می رود برای اینکه مرد
دیگری بیاید بگوید من مخالفم، نه اینکه همان مرد
یک مرتبه بگوید موافقم و مرتبه دیگر بگوید
من مخالفم. گفتم شما بروید استعفا بدهید و بکنفر
دیگر بیایید جای شما، این مخالف ترا بکنند. گفتند
که شما از نمایندگی مجلس چرا استعفا نمی دهید؟
گفتم آقا این چه ربطی به آن دارد؟ گفت نه،
هر وقت شما از نمایندگی استعفا بدهید من از نخست
وزیری استعفا می دهم گفتم که خوب بنده باین آقا
دیگر کاری ندارم همینکه آقای نخست وزیر گفتند که

با این لایحه مخالفند کار تمام است ما این
این لایحه را در مجلس خواهیم زد.
رئیس - آقای دکتر مصدق پیش از یک ساعت
نی شود صحبت کرد.
دکتر مصدق - چه مانعی دارد آقا ۱۰
ساعت باشد.
رئیس - نمیشود آقا در مخالفت با یک فوریت
که سهل است در هیچ موردی پیش از یک ساعت
صحبت شود.
مکی - مجلس اجازه داده آقا
دکتر مصدق - بگذارید آقا ۱۰ هرائی
اساسی بنده هست که باید در این آخر بگویم و قضایای
حیاتی مملکت است مانده میخواهد اجازه بدهید،
میخواهد ندهید. ملت این پولی که میدهد
که برخلاف مصالح مملکت رفتار نکنید.
یکی از نمایندگان - در فوریت فقط مخالف
صحبت میکنند.
رئیس - وقتی که فوریت مطرح است بکنفر
مخالف صحبت میکند و بعد رأی گرفته میشود.
پیشنهادی رسیده است که میبایستی با ورقه رأی گرفته
شود. پیشنهاد قرائت می شود.
(بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنیم که نسبت بفوریت اول لایحه رأی
باورده گرفته شود حائری زاده، نریمان، اللهار
صالح، مکی، دکتر هایگان، آزاد، دکتر
بقائی.
جمال امامی - نسبت بفوریت نمیشود
باورده رأی گرفت.
مکی - چرا میشود.
رئیس - وقتیکه چند نفر تقاضا کردند باید
باورده رأی گرفته شود. البته وقتی که بفوریت رأی
داده شد بکمیسیون میرود برای طبع و نشر.
حالا اخذ رأی بعمل می آید عده حاضر ۸۶ نفر
است.
(اخذ رأی در محل نطق تحت نظر سه نفر آقایان
منشیان بعمل آمده و اسامی آقایان بشرح ذیل
قرائت و رأی دادند)
آقایان: اردلان، عبدالعزیز مجتهدی -
آشتیانی زاده، دکتر مجتهدی، یالیزی، کشاورز صدر
جواد مسعودی، قاسم فولادوند، دکتر طباطبائی
دولت شاهی، صدیقی، حائری زاده، مسعودی، دکتر
بقائی، جمال امامی، نورالدین امامی، سرتیپ زاده
وهاب زاده، کتجه، نبوی، سنندجی، کتابادی

دکتر هایگان، پناهی، فتعلی افشار، امامی اهری
مکی، دکتر مصدق، آزاد، مکرّم، ارباب -
بودافیان، افشار صادقی، بهادری، ثقة الاسلامی
سلطان العلماء، اقبال، بیراسته، ابتهاج، اسلامی
گودرزی، ملک مدنی، هریز اعظم زنگنه، حمیده
رضوی شیرازی، نریمان، صالح، ناظرزاده، سودآور
دکتر نبوی، موسوی، عباسی، آصف، فقیه زاده -
قرشی، بزرگ نیا، قبادیان، صفائی، دکتر کاسمی
خاکباز، ظفری، فضفرفری، گرگانی، امیری فراگزلو
دکتر علوی، رفیع، شکرانی، کهید، هامری -
مخبر فرهنگ، دکتر طاهری، دکتر ککیان، قهرمان
معین زاده، ارباب گیو، کوراوغلی، هراتی، مرتضی
حکمت، دکتر برال، فلامرضا فولادوند، خسرو
قشقائی، محمد علی مسعودی، صدرزاده.
(شماره آراء بعمل آمده نتیجه بدین قرار بود)
ورقه سفید ۷۳، ورقه سیاه ۸، ورقه سفید
بی اسم ۴
رئیس - عده حاضر ۸۶ با اکثریت ۷۳
رأی موافق فوریت تصویب شد. لایحه بکمیسیون
کشورارجاع میشود.
اسامی موافقین - آقایان: مهدی صدرزاده -
رضوی، محمد قرشی، علی محمد فضفرفری، سنندجی
رفیع، خسرو قشقائی، دکتر موسی برال، محمد علی

مسعودی، محمد رضا آصف، هراتی، دولت آبادی
قبادیان، میر مجید موسوی، صد سودآور، فولادوند
فقیه زاده، مهدی ارباب، امامی اهری، محمود
مسعودی، دکتر احمد نبوی، هریز اعظم زنگنه -
احمد حمیدیه، حسن نبوی، ناصرقلی اردلان
موسی گودرزی، فتعلی افشار، جمال امامی -
نورالدین امامی، موسی ثقة الاسلامی، دکتر طاهری
معسن کتابادی، ابوالفتح دولت شاهی، سید مهدی بیراسته
معسن افشار صادقی، حسن مکرّم، آرام بودافیان
ارباب گیو، ابوالفتح قهرمان، جواد کتجه، سرتیپ زاده
دکتر ککیان، جواد مسعودی، فرهنگ، دکتر
حسن علوی، حسین خاکباز، علی بزرگ نیا، ظفر السلطان
دکتر کاسمی، عباسی، حسین کوراوغلی، یوسف -
شکرانی، علی محمد دهقان، دکتر مجتهدی، دکتر
طباطبائی، ناظرزاده، ناصر صدیقی، عبدالعزیز
مجتهدی، مرتضی حکمت، حیب پناهی، بهادری،
امیری فراگزلو، جواد هامری، اقبال، اسلامی،
ابتهاج، احد وهاب زاده، یالیزی، سلطان العلماء
ملک مدنی، محمد گرگانی، فولادوند.
اسامی مخالفین آقایان: حسین مکی، نریمان
دکتر بقائی، دکتر مصدق، دکتر شایگان، حائری زاده

اللهار صالح، عبدالعزیز آزاد
ورقه سفید علامت امتناع - ۲ برک
۵ - قضای آقای وزیر کشاورزی راجع
بتعیین شور چند نفره لوابح دوره
پانزدهم وزارت کشاورزی
رئیس - آقای وزیر کشاورزی فرمایشی
دارید؟ بفرمائید.
وزیر کشاورزی - (آقای مهدی) چند لایحه
در دوره گذشته تقدیم مجلس شورای ملی شده بود که
چون دوره مجلس خاتمه پیدا کرد طرح و تصویب
نشده، بنده صورت آنها را تقدیم به مقام ریاست میکنم
تقاضای طرح و تصویب آنها را دارم.
رئیس - بکمیسیون مربوطه فرستاده میشود.
۶ - تعیین موقع و دستور جلسه
بعد - ختم جلسه
رئیس - جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده
روز یکشنبه خواهد بود ساعت ۹، دستور بودجه
مجلس و یک لایحه دیگر.
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت